

کد: ۱۴۱۹

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«صلى الله عليك يا فاطمه الزهرا»

مجموعه نمایشگاهی «قطره ای از دریای معرفت فاطمی»

فضائل حضرت زهرا علیها السلام

(متن سخنوری)

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا، العبد المؤيد والرسول
المسدّد، أبي القاسم محمّد، و على آل بيته الطّيبين الطّاهرين المعصومين المكرّمين
سيّما مولانا و مقتدانا الحجة الثاني عشر، المهدي المنتظر، روي و ارواح العالمين
لتراب مقدمه الفداء، واللّعن على اعدائهم و مخالفهم و مخزّبي شريعتهم و مبغضهم و
مبغضى شيعتهم من الان الى يوم الدين.

عن الامام الحسن العسكري عليه السلام :

نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، وَ فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا.^۱

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام حجت بر امامان:

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ما حجت‌های خدا بر مخلوقات هستیم و مادرمان

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام حجت خدا است بر ما.

یعنی مردم هنگامی که گرفتار می‌شوند چنگ به دامن ما زده و می‌گویند: ای امام

۱. عزائم العلوم، مقدمه ج ۱۱ (فاطمه زهرا علیها السلام) ص ۵.

باقر، ای امام صادق، ای امام سجاد، و ای امام حسین، ولی ما امامان هر وقت گرفتار می شویم دامن مادرمان حضرت زهرا علیها السلام را می گیریم.

شیخ الاسلام مجلسی رحمته الله می نویسد:

هر وقت بر امام باقر علیه السلام تب شدیدی عارض می شد در وسط خانه یک سطل آب می گذاشت، و مرتباً جام را به زیر آب زده و از آب برمی داشت و بالای سرش می ریخت و می گفت: یا فاطمه! یا فاطمه! یا فاطمه! این عمل را چندان تکرار می فرمود که تبش آرام می گرفت.

اسراری که در اسم فاطمه نهفته است:

اسراری در این وجود مقدس به ودیعه گذاشته شده است که وجوهش را علماء ذکر کرده اند از آن جمله ۹ اسم برای آن بزرگ بانوی دو جهان ذکر کرده اند که یکی از آنها فاطمه است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

يَا فَاطِمَةُ أَتَدْرِينَ لِمَ سُمِّيتِ فَاطِمَةَ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ رضي الله عنه: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لِمَ سُمِّيتِ قَالَ: لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَشِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ.^۱

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ای فاطمه: می دانی چرا تو به اسم فاطمه نامیده شده ای؟

امیرالمؤمنین رضي الله عنه عرض کرد: یا رسول الله چرا فاطمه نامیده شده است؟ فرمود:

زیرا او و شیعیانش از آتش جهنم قطع شده اند.

آن حضرت بدان دلیل فاطمه نامیده شده است زیرا کسانی که دامنش را بگیرند و

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴، ح ۱۰. عوالم العلوم، ج ۶، ص ۲۶-۲۷، ح ۶.

متوسل به او بشوند را از غم و اندوه جدا می‌کند، یعنی مقراض محبت او شیعه را از درد و غم و اَلَم جدا می‌کند مخصوصاً کسانی را که گرفتار گناه و معصیت‌اند مخصوصاً جوانها اگر به ذیل ولای آن دخت گرامی رسول خدا ﷺ چنگ زده و بگویند: یا فاطمه! یا فاطمه! یا فاطمه! و در این کار مداومت به خرج دهند عاقبت شیاطین انس و جن دست از گریبان آنها برمی‌دارند، این یکی از الطاف کریمه حضرت حق جل و علا است که پیامبر محترم اسلام آنرا برای امت خود به ارمغان آورده است.

گرچه پروردگار متعال مسلمانان را به نماز، روزه، خمس، زکوة، حج، امر به معروف، نهی از منکر، تخلّق به اخلاق الهی، ادای امانت، و راستی و درستی امر فرموده، ولی در کنار این همه دستور درباره رعایت و توجه شدید بنام مبارک حضرت صدیقه طاهره ﷺ تأکید آکید فرموده است.

پیغمبر اکرم ﷺ که اهل عراق نیست، زیرا مهر عصمت آن حضرت را دقیقاً کنترل می‌کند، وهنگامی که آن حضرت می‌خواهد فاطمه ﷺ را به دنیا معرفی نماید این جبرئیل امین است که به امر پروردگار متعال، و از طرف او نحوه معرفی را به وی می‌گوید.

حالا به حدیث یکی از صحابی بنام عبدالله بن مسعود در این زمینه توجه کنید:

قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَسَلَّمْتُ وَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرِنِي الْحَقَّ أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيَانًا، فَقَالَ: يَا بَنَ مَسْعُودٍ لِيحِ الْمِخْدَعِ...^۱

عبدالله بن مسعود می‌گوید:

روزی به حضور رسول خدا ﷺ شرفیاب شده و سلام کردم، سپس عرض کردم:

^۱ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۷۳، ح ۲۳ - عوالم العلوم، ج ۶، ص ۳۰، باب ۳، ح ۱ - علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱.

یا رسول الله حقیقت را به من چنان نشان بدهید که گویا آن را به چشم خود می بینم، فرمود یابن مسعود برو توی آن اطاق کوچک و بین چه می بینی، داخل اطاق رفتی، ناگهان چشمم به علی بن ابی طالب علیه السلام افتاد که در حالت خشوع رکوع و سجود به جا می آورد، پس از آنکه نمازش را خواند دست به دعا برداشت و چنین گفت:

پروردگارا! بحق پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله از گناهان گناهکاران شیعیان من درگذر.

از اطاق بیرون آمدم تا ماجرا را به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دهم، هنگامی که به حضور آن حضرت رسیدم دیدم که او نیز در حالت خشوع مشغول نماز است و سپس از نماز دست به دعا برداشت و عرض کرد:

پروردگارا! به حق ولی خود علی بن ابی طالب علیه السلام از گناهان گناهکاران امت من درگذر.

وقتی که چنین دیدم بهت و هراس سر تا پای وجودم را فرا گرفت، شگفت زده بخود گفتم: چه می بینم؟! علی علیه السلام پس از نماز، رسول خدا صلی الله علیه و آله را وسیله قرار داده و از خدا آمرزش گناهان دوستان خود را می خواهد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در تعقیب نماز، علی علیه السلام را وسیله قرار داده و آمرزش گناهان امت خود را از خدا می خواهد، در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله سر برداشت و نگاهی به من کرد و فرمود:

یابن مسعود! چه شده که اینهمه بهت زده، مگر نمی دانی که پروردگار متعال پیش از آفرینش جهان نور ما را از نور خود آفرید، آنگاه کلیه موجودات جهان آفرینش را از نور ما آفرید، یابن مسعود! ما ظرف مشیت الهی هستیم که درست در مقابل فیض خدا قرار گرفته ایم، هر فیضی که از طرف خدا به مخلوقات می رسد نخست به ما می رسد و آنگاه سهم هر کدام از موجودات به اندازه نیازش از ما به وی می رسد یعنی اگر به حضرت ابوالفضل علیه السلام متوسل شدید، اگر دامن حضرت صدیقه طاهره علیه السلام، و یا امام صادق علیه السلام را گرفتید در جواب کسانی که نِق زده و

می‌گویند: ای بابا آدم باید تنها بخدا چنگ بزند - بگوئید: همان خدائی که تو می‌گوئی، خود اینها را وسیله تقرب به خود قرار داده است قرآن کریم که می‌فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...»^۱ منظور از وسیله اینها هستند ما باید دست نیاز به اینها دراز کنیم که خدا خود اینها را وسیله ارتباط خلق با خود قرار داده است.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: یابن مسعود، خدا آسمانها و زمین را از نور من آفرید، به خدا قسم که من اجل و اشرف از آسمانها و زمین هستم. همه می‌دانیم که عرض و طول آسمانها نامحدود است، به طوری که آنرا با ارقام بسیار بزرگ نجومی هم نمی‌توان بیان کرد، رسول خدا ﷺ به منظور بیان عظمت و بزرگی خود می‌فرمایند: که من اجل و اعظم و اشرف از آسمانهای بیکران هستم.

یابن مسعود! پروردگار متعال نور علی عليه السلام را شکافته و از آن عرش و کرسی را آفرید. در بحارالانوار، و اصول کافی، و پاره‌ای از کتب معتبر، از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمودند:

هنگامی که حق تعالی عرش خدا را آفرید ۳۶۰ هزار ستون برای آن تعبیه فرمود و برای هر ستونی سیصد و شصت هزار فرشته موکل قرار داد که اگر به کوچک‌ترین فرشته، حق جلّت عظمته اذن می‌داد هفت آسمان و هفت طبقه زمین را می‌بلعید در حالی که آسمان‌ها و زمین در کام آن فرشته همچون ریگی بود در بیابان پهناوری!!! پس از آفرینش عرش و فرشتگان خداوند متعال خطاب به فرشتگان نموده و فرمود: بندگانم این عرش را به دوش گرفته و حمل نمایید.

فرشتگان هر چه سعی کردند نتوانستند آن را حمل کرده و حرکت دهند. خداوند عزّ و جلّ به تعداد هر فرشته‌ای، فرشته دیگر آفرید، باز نتوانستند آن را

۱. سوره مائده، آیه ۳۵.

بعجبانند، سپس به تعداد هر کدام از آنها ده فرشته دیگر آفرید، باز بر حرکت دادن آن قادر نبودند، این بار به عدد هر فرشته که عدد مجموعشان سیصد و شصت هزار بود، سیصد و شصت هزار ملک آفرید، باز از حرکت دادن آن عاجز بودند، حق عزّ وجلّ خطاب به جملگی نموده و فرمود:

عرش را رها کرده و آن را به خودم واگذارید که به قدرت خویش آن را نگه دارم. فرشتگان آن را رها کرده و از اطرافش کنار رفتند، پس باری تعالی آن را به قدرت کامله اش نگه داشت! سپس به هشت تن از آنها فرمود:

شما این عرش را حمل کنید.

عرضه داشتند: پروردگارا این جماعت کثیر و نفرات بسیار نتوانستند عرش را حمل کنند، آن وقت چطور ما که تعدادمان اندک و نفراتمان کم است می توانیم آن را حمل کنیم!

حق عزّ وجلّ فرمود:

امثال امر کنید شما را بر آن قادر می نمایم، زیرا من خداوندی هستم که دور را نزدیک و بندگان را رام و سخت را آسان و مشکل را سهل می نمایم، آنچه را بخواهم انجام داده و هر چه را اراده کنم به آن حکم می کنم، کلماتی را به شما می آموزم که وقتی آنها را گفتید حمل و نقل عرش بر شما آسان می گردد.

عرضه داشتند: پروردگارا، آن کلمات چیست؟

حق تعالی فرمود: بگوئید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ»

فرشتگان این کلمات را گفته و عرش را همچون مویی که بر شانه مرد چابک و قوی روئیده باشد، بر روی دوش نهاده و حمل نمودند.

پس از آن حق عزّوجلّ به سایر فرشتگان فرمود: عرش را رها کرده تا این هشت نفر آن را حمل نموده و شما فقط اطراف آن طواف کرده و بگردید و به تسبیح و تنزیه و تمجید و تقدیس من بپردازید، چه آنکه من بر آنچه می بینید قادر و بر هر چیز توانا می باشم.^۱

این روایتی بود در باره عظمت عرش، حالا وسعت عرش چقدر است؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَإِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ: حِزْقَائِيلُ لَهُ ثَمَانِيَةٌ عَشَرَ أَلْفَ جَنَاحٍ مَا بَيْنَ الْجَنَاحِ إِلَى الْجَنَاحِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَيُّهَا الْمَلِكُ: طَرَفَ طَارٍ مِقْدَارَ عِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ لَمْ يَنْلُ رَأْسَ قَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ، ثُمَّ ضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَاحِ وَالْقُوَّةِ وَأَمَرَهُ أَنْ يَطِيرَ فَطَارَ مِقْدَارَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ عَامٍ لَمْ يَنْلُ أَيْضًا، وَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَيُّهَا الْمَلِكُ لَوْ طَرَّتْ إِلَى نَفْحِ الصُّورِ مَعَ أَجْنِحَتِكَ وَ قُوَّتِكَ لَمْ تَبْلُغِ إِلَى سَاقِ عَرْشِي، فَقَالَ الْمَلِكُ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سَيِّحَ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ»^۲

«خداوند فرشته‌ای دارد به نام حزقائیل که هیجده هزار بال داشته و فاصله بین بالی تا بال دیگر پانصد سال مسافت می باشد، حق تعالی به آن خطاب فرمود: ای فرشته پرواز کن.

حزقائیل به مقدار بیست هزار سال پرواز کرد ولی به فراز هیچ کدام از ستونها نرسید.

خداوند متعال بال‌ها و نیروی او را دو چندان نمود و بعد امر فرمود که پرواز کن.

۱. بحار، ج ۵۵، ص ۳۳، ح ۵۳ و ج ۲۷، ص ۹۷ - مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۱۶۱ - روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ص ۴۷.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۵۴ و ۵۵۵ - روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ص ۴۷.

فرشته نامبرده به مقدار سی هزار سال پرواز کرد باز بر فراز هیچ ستونی از ستون‌های عرش دست نیافت.

خداوند به آن وحی فرمود:

ای فرشته من اگر با این بال‌ها و نیرویی که داری تا قیامت هم پرواز کنی به ساق عرش من نخواهی رسید.

حزقائیل عرضه داشت: سبحان ربی الاعلی (پروردگار والای من منزّه است) این جا بود که حق عزّ و جلّ آیه (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الاعلی) را نازل فرمود و نبی اکرم ﷺ فرمود: آن را ذکر سجودتان قرار دهید.»

آن وقت این عرش با این عظمت از نور علی علیه السلام آفریده شده است.

بعد پیغمبر اکرم ﷺ خطاب به عبدالله بن مسعود کرد و فرمود:

یابن مسعود! سپس پروردگار عالم نور فرزندانم حسن علیه السلام را شکافت و از آن لوح و قلم را آفرید و حسن علیه السلام اجلّ و اشرف از لوح و قلم است.

یابن مسعود! بعد پروردگار عالم نور فرزندانم حسین علیه السلام را شکافت و از آن بهشت و حورالعین را آفرید،

و حسین علیه السلام اجلّ و اشرف از بهشت و حورالعین است.

آن وقت این بهشت با این خصوصیات از نور امام حسین علیه السلام خلق شده و تعلق به امام حسین و دوستان و عزاداران و زائران قبر آن حضرت دارد.

وسعت بهشت:

رسول خدا ﷺ فرمود: بهشتی که پروردگار عالم به هر یک از مؤمنین عطا می‌فرماید به قدری وسیع است که اگر مؤمن بخواهد اولین و آخرین از موجودات را در بهشت خود میهمان کند، بدون استمداد از کسی به آسانی می‌تواند این کار را انجام بدهد، حساب کنید از اوّل آفرینش تا روز قیامت چند نفر مؤمن به بهشت می‌روند.

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ هُوَ يَزْعَمُ إِنَّهُ لَنَا شَيْعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ،
فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشَيْعَةٍ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَهُوَ مِنْ ضَيْفَانِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ.»^۱

«هر کس تا آخر عمرش [برای زیارت] به حرم حضرت ابا عبدالله
الحسین علیه السلام مشرف نشود و حال آنکه خود را از شیعیان ما بیندارد، او
شیعه ما نیست و اگر هم از اهل بهشت شمرده شود میهمان اهل
بهشت است.»

یابن مسعود! بهشت با همه عظمت و وسعتش از نور امام حسین علیه السلام آفریده شد،
و امام حسین علیه السلام جلالت و عظمت و شرافتش بیشتر از بهشت است.
یابن مسعود! آنگاه سر تا سر عالم هستی را ظلمت فرا گرفت، و همه جا در
تاریکی محض فرو رفت، ملائکه وحشت زده دست به دعا برداشتند و گفتند:
پروردگارا ما را از این ظلمت نجات ده.

تیر دعایشان به هدف استجابت رسید قندیلی از نور بسیار شدید و خیره کننده‌ای
از زیر عرش آویزان شد، در همه عالم وجود نقطه‌ای باقی نماند جز آنکه زیر تابش
آن نور روشن شد، که آن نور، نور صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام بود. این است که تا
روز قیامت هر کس بخواهد از ظلمت نجات پیدا کند تنها بوسیله آن نور می‌تواند
نجات پیدا کند.

انسیه حورا سبب اصل اقامت	اصلی که ببالید بدو نخل امامت
هرگز نشنیدم که خدا را بُودی اُمّ	ای اُمّ الوهی ای در تو خرد گم
مرآت خدا عالمه نکته توحید	کش خیمه عصمت زده بر عرصه تجرید

۱. بحار، ج ۹۸، ص ۴ ح ۱۵ - کامل الزیارات، ص ۱۹۳.

در هر صفتی اعظم اسماء الهی اندر فلک قدرت نبود چو تو ماهی
عالم همگی بنده شرمنده تو شاهی محتاج توایم از در الطاف نگاهی

یا فاطمة الزهراء انا بک نشکوا

خورشید چو رویت به سما و به سمک نیست

از عشق تو برپاست به کونین هیاهو

اوصاف خدا از تو هویداست کما هی

علم تو محیط است به معلوم الهی

من با تو به توحید دلی یک دله دارم

از عشق تو بر گردن جان سلسله دارم

یا فاطمة الزهراء انا بک نشکوا^۱

عروج رسول خدا ﷺ :

این مطلب در جای خود به ثبوت رسیده است که کلیه عوالم وجود چه آنهایی که

ما می بینیم، و چه آنهایی که نمی بینیم همگی فیض از پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ می گیرند، حالا فاطمه زهرا علیها السلام چنین پدری را از دست داد.

فاطمه زهرا علیها السلام و پیراهن پیغمبر اکرم ﷺ :

از روزی که امیرالمؤمنین علیه السلام بدن طیب و طاهر رسول خدا ﷺ را غسل داد

پیراهن مبارک آن حضرت را در صندوقی گذاشت و دیگر به کسی نشان نداد، همان

پیراهن که از ودایع نبوت بوده هم اکنون در اختیار حضرت حجة بن الحسن روحی

و ارواح العالمین له الفداء است.

۱. اشعار از مرحوم حکیم صفاتی.

روزی فاطمه زهرا علیها السلام آن پیراهن را از امیرالمؤمنین علیه السلام خواست تا بوی پدر را از آن استشمام کند، چون چند روز بود که بوی پدر عظیم القدرش را استشمام نکرده بود آری پیغمبر است، عزیز عالم است.

أَنْصُرِفَتْ نَخْوَهُ أَفْبِدَةَ الْأَفْلَاكِ وَتُنَيْتُ إِلَيْهِ أَرْمَةَ الْأَمَلَاكِ

دل‌های پاکان عاشق او هستند، شما نمی‌دانید پیغمبر که بوده، هر کس می‌آمد و نگاهی به وی می‌افتاد به جهت دل پاکی که داشت عاشق او می‌شد، حالا پاکتر از همه که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است در جستجوی پدر تمامی اطاقها را می‌گردد، ولی او را پیدا نمی‌کند، غم سنگینی دل پر درش را می‌فشارد، به سر خاک پدر پناه می‌آورد، دلش آرام نمی‌گیرد.

بالاخره امیرالمؤمنین علیه السلام در اثر اصرار فاطمه علیها السلام در صندوق را گشود و پیراهن را از آن بیرون آورده و به فاطمه علیها السلام داد، فاطمه علیها السلام نگاهی به پیراهن افکند و سیل اشک از چشمانش سرازیر شد، پیراهن را به سر و سینه‌اش کشید. بچه‌هایش را صدا زد، و همه آمدند همین که چشمشان به پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افتاد غوغائی برپا کردند، فاطمه زهرا علیها السلام از حال رفت، امیرالمؤمنین علیه السلام که وضع را چنین دید پیراهن را توی صندوق قرار داد و دیگر آنرا هرگز به فاطمه زهرا علیها السلام نشان نداد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷.